مکاشفه و بهشت در رمان «سلاخ‌خانه شماره پنج» ونه‌گات

نوسان در ابدیت

ویلسون تایلر . ترجمه: محمدطاهر ریاضی‌ارسی

«زمان رودی است... جریان ناپایدار رود می‌گذرد، اما ابدیت برجا می‌ماند»
تورو والدن. ۱۸۵۴

«یک‌نفر با ساعت‌های دیواری بازی می‌کرد... عقربه دوم ساعت من، یک دور می‌زد و یک سال می‌گذشت، بعد یک دور دیگر می‌زد و یک‌سال دیگر می‌گذشت.» در نخستین فصل شاهکار بهت‌آور ونه‌گات، سلاخ‌خانه شماره پنج[۱]، (از این پس: سلاخ‌خانه) راوی اول شخص چنین جملاتی بر زبان می‌آورد. سلاخ‌خانه رمانی است سرشار از اضطرابی زمانمند و تاریخی که به ناپایداری وجودی، گناه و پارانویایی اشاره می‌کند که کورت ونه‌گات و نیز خودآگاهی آمریکای پس از جنگ را آزار می‌دهد. وحشت سلاخ‌خانه، وحشت بلاتکلیفی بشر است در میان امواج بی‌تناسب تاریخ، زمان، تقدیر و واقعیت. بحران سلاخ‌خانه، بحران ذهنیت افسارگسیخته آمریکای پس از جنگ است.

لُبّ کلام ونه‌گات در قصه‌اش از درسدن- که به گفته خودش «خیلی کوتاه و قره‌قاطی و شلوغ و پلوغ است» و کتاب موفقی از کار درنیامده- بی‌اعتنایی جسورانه‌ای است به حوادث تاریخ و تقدیر و دفاع قاطعانه‌ای است از انسان. سلاخ‌خانه گواهی است بر دشواری درک معنای رمانی که در عدم‌قطعیتی بنیادی و ادراک‌ناپذیر غوطه‌ور است و بیشتر به‌عنوان نقدی بر قرن فاجعه‌آمیز بیستم مدنظر قرار می‌گیرد. دوگانگی حاکم بر سلاخ‌خانه (به گفته ونه‌گات «این کتاب آشغال») تاکیدی است بر کشمکش ونه‌گات با خاطرات و هویت خویشتن. وی خود را با زن لوط مقایسه می‌کند که در تلاش برای جست‌وجوی معنای گذشته هلاک شد. «انسان نمی‌تواند درباره قتل‌عام حرف‌های زیرکانه و قشنگ بزند» (دوگانگی ونه‌گات حتی به خود کار نویسندگی نیز گسترش می‌یابد- به اعتقاد وی، نوشتن رمان «ضدجنگ» فی‌نفسه محکوم به شکست است؛ درست مثل نوشتن کتاب «ضد رودخانه‌های یخ»). ونه‌گات آرزو دارد به ماورای تاریخ حرکت کند، ولی مدام به گذشته رانده می‌شود. گرچه بیلی پیل‌گریم (بیلی‌زائر) نمی‌تواند به رستگاری دست یابد، ولی ونه‌گات می‌کوشد ادبیات را به منزله حکایتی از رستگاری و انکار تقدیر بنا کند. به نظر وی، تاریخ پوچ و بیهوده است، ولی شاید ادبیات و هنر بتواند معنا و تعالی فراهم سازد.

ونه‌گات در اعتراض به بی‌معنایی تاریخ و بیهودگی جنگ، تقدیر را انکار و قاطعانه از بشر دفاع می‌کند. گرچه تندآب زمان بشر را همراه خود می‌برد، ولی ونه‌گات می‌کوشد یک انسان‌گرایی ابدی به منزله مانعی در برابر بی‌معنایی به وجود آورد. در فصل نخست، راوی ونه‌گات کتابی درباره سلین می‌خواند؛ نویسنده‌ای که کتاب هولناکش به نام سفر به انتهای شب بر سلاخ‌خانه تاثیر داشته است. ونه‌گات می‌گوید: «سلین دچار وسواس زمان بود.» و به صحنه‌ای اشاره می‌کند که در آن «سلین می‌خواهد جلو آشوب جمعی را در خیابان بگیرد.» خواست سلین مبنی بر فرونشاندن وحشت تاریخ و در نتیجه آن تجدید حیات بشر، آرزو و خواست ونه‌گات نیز به‌شمار می‌رود. سلاخ‌خانه تلاشی است برای یافتن رستگاری و نجات از طریق ادبیات و جست‌وجوی تعالی در میان آشوب.

سلاخ‌خانه نماینده نگرانی‌های ونه‌گات است. ساختار «قره‌قاطی» رمان نمایانگر ناتوانی و انزجار ونه‌گات در ترسیم قابل فهم بی‌معنایی رویداد درسدن است. اما علاقه وی به تالیف این روایت ادبی نشان‌دهنده تمایل شدیدش به استعلایی است که همواره حسرتش را می‌خورد. در سلاخ‌خانه، ونه‌گات از طریق ساختارشکنی رمان می‌کوشد جهانی پرآشوب و تکه‌پاره را به نمایش بگذارد. مهم‌تر اینکه ساخت‌شکنی رمان بیانگر بازسازی خویشتن است. به اعتقاد وی، ادبیات می‌تواند انسان را در رهایی از بند تاریخ و بازآفرینی هستی و زمان یاری رساند.

بیلی پیل‌گریم در بعد زمان چندپاره شده است

«گوش کنید: بیلی پیل‌گریم، در بعد زمان چندپاره‌شده است» ونه‌گات با این جمله اعلام می‌کند که قهرمان رمانش در زمان سرگردان است. چندپاره شدن در زمان، تدبیر ونه‌گات است برای بیان ضایعه ناشی از فاجعه درسدن و بحران ذهنیت پسامدرن. وی قصد دارد «شاهکاری» به‌صورت یک روایت خطی خلق کند و در عین حال، می‌کوشد روایتش عاری از فاجعه باشد. چنین روایتی قطعا نامعقول و باورنکردنی خواهد بود. خاطرات پیل‌گریم مثل خود ونه‌گات مدام به گذشته، به فهم‌ناپذیری فاجعه درسدن بازمی‌گردد. پیل‌گریم «مسافر بی‌اراده زمان» است و دایما نقش‌های مختلف یک زندگی تکه‌پاره را ایفا می‌کند. وی بدون نظم و ترتیب بین درسدن، زندگی‌اش در دوران پررونق پس از جنگ (همراه با تصویر طعنه‌آمیز ونه‌گات از رویای آمریکایی) و زندگی پنهانی‌اش در باغ‌وحش ترالفامادورها رفت‌وآمد می‌کند.

ونه‌گات این روایت سه‌جانبه از پیل‌گریم را تالیف می‌کند تا آنچه را که «شیزوفرنی» خودآگاهی آمریکای معاصر می‌داند مورد تاکید قرار دهد. روایت ونه‌گات توصیف دردناکی است از جایی که رضایت‌خاطر منوط است به فراموش کردن حوادث گذشته. ولی پیل‌گریم نمی‌تواند فراموش کند و زمانی که به اقتضای خاطرات بین صلح و جنگ به حرکت درمی‌آید، توافق بی‌ثباتش با صلح پس از جنگ از بین می‌رود. مصیبت جنگ بی‌رحمانه پیل‌گریم را از زمان تاریخی بیرون می‌کشد و توانایی درک جهان یا خودش را زایل می‌سازد. نتیجه عبارت است از تزلزل همه‌جانبه خویشتن. جنگ، خودآگاهی پیل‌گریم را گسسته است. بنابراین وی استعاره‌ای برای آمریکای پس از جنگ است که می‌کوشد خود را با حوادث زمان حال و گذشته‌اش سازگار کند. هاملت به منظور بیان اضطراب وجودی ذهنیت مدرن می‌گوید: «زمانه ناسازگاری است». پیل‌گریم ونه‌گات نیز پریشان و سرگردان است. طبق نظر هایدگر، زمانمندی بی‌شک هستی‌شناسی را تثبیت می‌کند- بنابراین سرگردانی در زمان، پیل‌گریم را به بحران هستی‌شناسانه سوق می‌دهد.

پدیدارشناسی ونه‌گات در باب «چندپارگی در زمان»، کاوشی وهم‌آمیز درباره رنج خاطرات است. پیل‌گریم کمابیش گذشته‌اش را فراموش کرده و زندگی مجللی بنا کرده بود. خودآگاهی آمریکایی بی‌شرمانه آینده‌گرا (فوتوریست) است؛ چراکه می‌کوشد رنج حافظه تاریخی را فراموش کند و شهری روی تپه بنا نهد[۲]. ونه‌گات همچون همینگوی، بر محال‌بودن این فراموشی و ولع وهم‌برانگیز جنگ اصرار دارد. پیل‌گریم نیز مثل جیک بارنز[۳] یا نیک آدامز[۴] متحمل زخم‌های پنهان و غیررسمی است، گسست‌های هستی‌شناسانه‌ای که خودآگاهی‌اش را تباه می‌سازد. گذشته فراموش‌شده پیل‌گریم دوباره به‌صورت کابوس به سویش هجوم می‌آورد و ادراکش از زمان حال را در هم می‌کوبد- گذشته و حال در بافتی هولناک از هستی و ادراک در هم می‌آمیزد. هویت بعد از جنگ پیل‌گریم، زیر بار تاریخ تکه‌پاره می‌شود. ونه‌گات در سراسر رمان از تدبیر بیگانگی برشتی، یعنی آشنازدایی خواننده درخصوص تاریخ دروغین جنگ جهانی دوم و سعادت آمریکای پس از جنگ استفاده می‌کند. این تدبیر- به گفته برشت «بیگانه‌سازی»- خواننده را به ارزیابی مجدد جهان و خویشتن وامی‌دارد. برای مثال، عنوان فرعی سلاخ‌خانه شماره پنج چنانچه به مری اُهار وعده می‌دهد، جنگ صلیبی کودکان است که به بیهودگی جنگ و وحشت از تاریخ اشاره می‌کند. وی حاضر نیست داستانی عاشقانه یا حماسی به دور از تاریخ بنویسد. تصور دلخوشکنک رویای آمریکایی، تار و پود داستان یعنی کابوس و مکاشفه را در هم می‌تند. پیل‌گریم نیز به‌خوبی می‌داند که این دو جدایی‌ناپذیرند. در واقع، سلاخ‌خانه جزء لازم هر جامعه‌ای است.

ونه‌گات در آرزوی گریز از تاریخ است. این آرزو کاملا بر تخیل وی غلبه دارد، ولی ساختار روایت سلاخ‌خانه امکان چنین استعلایی را فراهم نمی‌سازد. تمایل وهم‌انگیز ونه‌گات به یک بهشت ترالفامادوری بیانگر این است که بازیابی دوباره بهشت، دروغ محض است. پیل‌گریم در وهم و خیال خود، با ستاره سابق سینما و ما به ازای حوا، مونتانا وایلدهاک در باغ وحش ترالفامادوری‌ها به خوشبختی پس از جنگ دست می‌یابد. ولی در نظر ونه‌گات، این بهشت خیالی چیزی جز ساده‌لوحی و واقعیت‌گریزی نیست و به همین دلیل، پیل‌گریم نمی‌تواند سعادتش را تداوم ببخشد. پیل‌گریم حتی بعد از بازیابی دوباره بهشت، هنوز در زمان سرگردان است و به جنگ باز می‌گردد. در هر حال، تاریخ را نمی‌توان نادیده گرفت.

«روی کره زمین، ما خیال می‌کنیم لحظات زمان مثل دانه‌های تسبیح پشت سر هم می‌آیند و وقتی لحظه‌ای گذشت، دیگر گذشته است»، اما ترالفامادوری‌ها به پیل‌گریم می‌آموزند که این طرز تفکر وهمی بیش نیست. پیل‌گریم به منظور دست و پنجه نرم کردن با ضایعه روحی خود، تسلی ناپایدار را در معلق شدن بر فراز لحظات زمان و مشاهده تاریخ از چشم‌اندازی دورافتاده و نامطمئن به دست می‌آورد. البته زندگی پیل‌گریم فاقد عزم و اراده است. وی عاری از خیال‌پردازی و بی‌اعتنا به تجارب خود است. او از زندگی‌اش سر درنمی‌آورد و «مثل بسیاری از آمریکایی‌ها می‌کوشید با خرید اشیایی از مغازه‌های هدیه‌فروشی، به زندگی خود معنی و مفهومی بدهد». به نظر ترالفامادورها، خاطرات مایه آرامش در برابر پوچی و بیهودگی است چراکه از طریق تمرکز بر «لحظه‌های دلپذیر» می‌توان رنج و مصیبت را تسکین داد. ولی پیل‌گریم نمی‌تواند ضایعه روحی خود را پنهان کند یا پشت سر گذارد. هر جنبه از زندگی پس از جنگش او را به درسدن می‌راند. خوابیدن کنار زنش، خاطرات قطار زندانیان را زنده می‌کند و سپس این خاطرات، روز عروسی دخترش را به یاد می‌آورد. گرچه پیل‌گریم به واسطه نظریات ترالفامادورها از بند جبرباوری تاریخی رها شده، ولی هنوز در مرزهای تاریخ اسیر است.

اسم من هست همی یان یانسن

پیل‌گریم که در بعد زمان چندپاره شده، با عبارت «یک ساس به دام‌افتاده در کهربا» توصیف می‌شود، استعاره‌ای درخور بحران وجودی‌اش. وی کاملا اسیر لحظات گسسته بی‌شمار در پاره‌های زمان است. به گفته ترالفامادورها، این زمانمندی به انسان آزادی عطا می‌کند تا از طریق آن، نگرانی‌های ناشی از قدرت اراده و تقدیر را فرو نشاند. ولی در مورد پیل‌گریم، فروپاشی فاعلیت و هویتش به دلیل همدلی اصالت وجودی‌اش، نمی‌گذارد فرد انسانی در دیالکتیک خردکننده زمان تاریخی منحل شود. سلاخ‌خانه نماینده این تنش است.

ونه‌گات رمان «تلگرافی و شیزوفرنیک» را همچون تجربه‌ای زیبایی‌شناختی و فرهنگی عرضه می‌کند؛ تجربه‌ای که از جهان آشنایی‌زدایی می‌کند تا دوباره آن را در پرده ابهام فرو برد. در خودآگاهی ونه‌گات، جنگ بی‌معنا و تاریخ بیهوده است. ولی یک روایت تک‌بُعدی سطحی نمی‌تواند رنج و عذاب ونه‌گات را برطرف کند و برای دلهره وجودی وی تسلایی حقیقی فراهم سازد

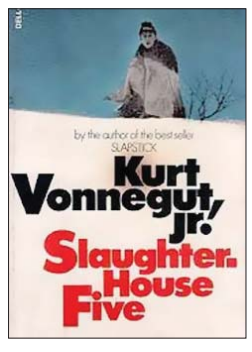

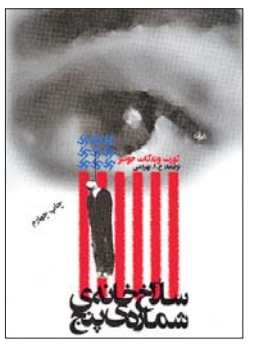

در سراسر رمان، تکرار ابدی و مداوم حوادث پیل‌گریم را پریشان و آزرده می‌کند- ترالفامادورها تکرار بی‌پایان تاریخ را گرامی می‌دارند. پیل‌گریم محکوم است به نشخوار بی‌وقفه ضایعه روحی‌اش، آنچه نیچه در حکمت شادان «سنگین‌ترین بار» می‌نامد. میلان کوندرا که در بار هستی با تکرار ابدی کلنجار می‌رود، می‌گوید «اگر هر ثانیه از زندگی‌مان بارها و بارها تکرار می‌شد، آنوقت ما به ابدیت میخکوب می‌شدیم، درست مثل عیسی مسیح به صلیب. چه تصور هولناکی!» ونه‌گات با کوندرا موافق است- «اگر چیزهایی که بیلی پیل‌گریم در ترالفامادور آموخته است راست باشند، که ما، اگر هم گاهی خیلی مرده باشیم، همیشه زنده می‌مانیم من چندان هم خوشحال نمی‌شوم.» در سلاخ‌خانه نیز ونه‌گات، پیل‌گریم را «میخکوب به ابدیت» نشان می‌دهد.

پیل‌گریم بارها درباره سبکی و سنگینی (دوگانگی وام‌گرفته از کوندرا) وجودش نظریه‌پردازی می‌کند. در قسمتی از رمان، خیال می‌کند «به بخار تبدیل شده، روی درخت‌ها شناور خواهد شد.» وی بارها خود را مایعی سیال تصور می‌کند؛ برخلاف «جسد مرده‌ای که دیگر مایع سیال نبود. به سنگ بدل شده بود» (در اقتباسی دردناک از داستان مارک تواین، ونه‌گات «رودی از آمریکایی‌های تحقیرشده» را توصیف می‌کند که مثل رود می‌سی‌سی‌پی از میان دره‌ای در آلمان جاری بود). پیل‌گریم آرزو دارد بر فراز زنجیره تاریخ شناور شود تا از بار حوادث و تقدیر بگریزد و تعالی یابد. ولی در کمال تاسف، «یک ساس به دام‌افتاده در کهربا» باقی می‌ماند و ناگزیر زیر بار تاریخ له می‌شود.

ونه‌گات و پیل‌گریم، هر دو توسط بیهودگی کوبنده تاریخ از پا درآمده‌اند و نمی‌توانند چیزی را بپرورند که نیچه amor fati یا «عشق به تقدیر» می‌نامد، چیزی را که برای تحمل بار عظیم تکرار ابدی حوادث الزامی است. نیچه می‌گوید: «می‌خواهم هرچه بیشتر بیاموزم که واقعیت محتوم را زیبا ببینم. پس من کسی خواهم بود که واقعیت را زیبا می‌سازم.»

ترالفامادورها با انکار وحشت از تاریخ و تمرکز بر لحظات دلپذیر، مشتاقانه این amor fati را برمی‌گزینند. ولی ونه‌گات نمی‌تواند جبر ویرانگر تکرار ابدی حوادث را تحمل کند. وی نمی‌تواند از خودمحوری رضایت‌آمیز ترالفامادورها پیروی کند که درباره جنگ می‌گویند: «کاری هم از دستمان برنمی‌آید، بنابراین جنگ را نادیده می‌گیریم. ساعت‌های بی‌پایان را صرف تماشای لحظه‌های دلپذیر می‌کنیم.»

گرچه این مفهوم جدید زمانمندی به فرد انسانی امکان می‌دهد که به یک معنا بر مرگ چیره شود («مهم‌ترین چیزی که در ترالفامادور یاد گرفتم این بود که وقتی کسی می‌میرد، تنها به ظاهر مرده است»)، ولی تسلیم صرف در برابر تقدیر، تاوان ناچیزی در قبال وحشت از تاریخ است. ونه‌گات با فروپاشی اراده راضی نمی‌شود و جبرگرایی صوفی‌مآبانه‌ای را که بسیاری به وی نسبت می‌دهند، طرد می‌کند. amor fati ترالفامادوری بیانگر تسلیم به تاریخ و نیز مصیبت و جنگ است که عمیقا موجب رنج و نگرانی ونه‌گات می‌شود. در نظر ونه‌گات همچون پیل‌گریم، زمان حال با خشونت و ضایعه عجین شده و بر هنرمند واجب است که به فراسوی بیهودگی تاریخ حرکت کند. ونه‌گات سلاخ‌خانه را با عبارت «رقص اجباری با مرگ» معرفی می‌کند و وظیفه هنرمند را رودررویی مستقیم با مرگ و بیهودگی می‌داند. وی از زبان سلین نقل می‌کند که «بدون رقص با مرگ، آفرینش هنری امکان‌پذیر نیست.»

رمان «تلگرافی و شیزوفرنیک»

سلاخ‌خانه را باید روایتی دانست که با ساخت‌شکنی رمان‌نویسی و سرپیچی از آن، قصد دارد تا فروپاشی جهان را منعکس کند. به این ترتیب، ونه‌گات امیدوار است فضایی تخیلی و زیبایی‌شناسی به وجود آورد که خواننده بتواند در آن، خویشتن و جهان را نقد کند و در بهترین حالت، برای دگرگونی و استحاله بکوشد. ونه‌گات این رمان «تلگرافی و شیزوفرنیک» را همچون تجربه‌ای زیبایی‌شناختی و فرهنگی عرضه می‌کند؛ تجربه‌ای که از جهان آشنایی‌زدایی می‌کند تا دوباره آن را در پرده ابهام فرو برد.

در خودآگاهی ونه‌گات، جنگ بی‌معنا و تاریخ بیهوده است. ولی یک روایت تک‌بُعدی سطحی نمی‌تواند رنج و عذاب ونه‌گات را برطرف کند و برای دلهره وجودی وی تسلایی حقیقی فراهم سازد. رمان رئالیستی برای انتقال تجربه جنگ کافی نیست. به نظر ونه‌گات، تاریخ بی‌نظم و آشفته است و یک روایت خطی و خوش‌ساخت، این آشوب را تابع نظم و ترتیب کرده و آن را وارونه جلوه می‌دهد.

والتر بنیامین نیز این تصور از موجبیت خطی زمان تاریخی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی تصور دوباره‌ای از تاریخ را مطرح می‌کند؛ یعنی به‌هم‌پیوستن گذشته با حال برای پروراندن آینده و انسانی نوین.

مشکل خطی و تک‌بُعدی‌بودن تاریخ آن است که گذشته در گذشته باقی می‌ماند. ولی در نظر ونه‌گات، وحشت از گذشته در زمان حال و آینده نیز جریان می‌یابد. هدف داستان ونه‌گات عبارت است از متلاشی‌کردن دانه‌های تسبیح زمان تاریخی. چنین کاری به وی اجازه می‌دهد که تاریخ را بازنویسی و نیز انسان را بازآفرینی کند.

منابع:

http://www.vonnegutreview.com/۰۷/۲۰۱۳/slaughterhouse-five.html

[۱] سلاخ‌خانه شماره پنج- کورت ونه‌گات- علی‌اصغر بهرامی- روشنگران و مطالعات زنان

[۲] ماتئو. ۵: ۱۴

[۳] قهرمان داستان خورشید همچنان می‌درخشد- ارنست همینگوی

[۴] قهرمان چندین داستان کوتاه ارنست همینگوی

مرور

فکاهی آمریکایی

مترجم در توضیحی که اول ترجمه فارسی مجموعه داستان «شانس»، داده، گفته آنها که با خاطره هکلبری فین و تام سایر به‌سراغ این مجموعه داستان بروند، انتظاراتشان برآورده نخواهد شد. البته نه به این دلیل که این داستان‌ها ضعیف‌تر از رمان‌هایی است که تواین را در ایران بیشتر با آنها شناخته‌ایم بلکه به این دلیل که داستان‌های کوتاه تواین، کاملا از جنسی متفاوتند و ارتباط‌گیری با آنها، نیاز به این دارد که خواننده ذهن خود را از پیش فرض‌هایی که براساس خواندن رمان‌های سرخوشانه و ماجراجویانه تواین از این نویسنده به دست آورده، پاک کند. گرچه در این داستان‌ها هم سرخوشی و ریتم پرشتاب داستان‌گویی، مثل دیگر آثار تواین به چشم می‌خورد. «شانس» عنوان جلد اول از مجموعه داستان‌های کوتاه مارک تواین است که اخیرا با ترجمه علی مسعودی‌نیا، از طرف نشر زاوش منتشر شده است. تواین، خود در مقدمه‌اش بر این داستان‌ها، آنها را داستان‌هایی «فکاهی» می‌خواند و تفاوت این نوع داستان را با داستان‌های کمیک و داستان‌های مطایبه‌آمیز، که اولی مختص انگلستان و دومی مختص فرانسه است، اینگونه بیان می‌کند: «داستان انواع مختلفی دارد، اما فقط یک نوع آن دشوار است، که آن هم داستان فکاهی است و من عمدتا درباره همین نوع صحبت می‌کنم. داستان فکاهی گونه‌ای است آمریکایی، داستان کمیک متعلق به انگلستان است و داستان مطایبه‌آمیز مختص فرانسوی‌هاست. اهمیت داستان فکاهی به تاثیر شیوه روایتش است و اهمیت داستان کمیک و مطایبه‌آمیز به موضوع‌شان. ماجرای داستان فکاهی ممکن است در مدتی طولانی رخ دهد و نویسنده آن تا جایی که خوشایند باشد به این شاخ و آن شاخ بپرد و سرانجام هم به هیچ مقصد خاصی نرسد؛ اما داستان‌های کمیک و مطایبه‌آمیز باید موجز باشد و با طرح پیامی خاتمه یابد. در داستان فکاهی انگار با ملایمت حباب می‌سازیم، اما در دوگونه دیگر نوعی انفجار ایجاد می‌کنیم.» تواین در ادامه به صراحت می‌گوید که داستان‌های کمیک و مطایبه‌آمیز را به‌عنوان هنر، قبول ندارد: «داستان فکاهی صرفا هنر محسوب می‌شود، هنری والا و ظریف؛ و فقط هنرمند می‌تواند چنین داستانی را بازگو کند؛ اما هیچ هنری برای تعریف داستان کمیک و مطایبه‌آمیز لازم نیست. هر کسی می‌تواند اینگونه داستان‌ها را تعریف کند.» اینک مجموعه داستان «شانس» به‌عنوان نمونه‌ای از آنچه تواین، داستان فکاهی نامیده و از آن در برابر دیگر گونه‌های مبتنی بر شوخ‌طبعی دفاع کرده، پیش روی ماست؛ مجموعه‌ای شامل ۱۸ داستان کوتاه فکاهی از مارک تواین. تواین در این داستان‌ها جامعه آمریکا را در دوره‌ای که خود در آن می‌زیسته دست انداخته است و تصویری طنزآمیز از آمریکای قرن نوزدهم ارایه داده است. «روزنامه‌نگاری در تنسی»، «قورباغه جهنده بدنام کالا وراس کانتی»، «ونوس تپه کاپیتول»، «نیاگارا»، «ساعت من»، «داستان پسرکوچولوی بد»، «اقتصاد سیاسی»، «شانس»، «ملاقاتی مرموز»، «داستان پسرکوچولوی خوب»، «حقایقی درباره قرارداد عظیم راسته گوشت گاو»، «چگونه سردبیر یک روزنامه کشاورزی شدم؟ »، «عاشقانه‌ای از قرون وسطا»، «کاپیتان ند بلیکی»، «آدم‌خواری در قطار»، «پنج موهبت زندگی»، «رویایی غریب»، «یک افسانه» عنوان‌های داستان‌های مجموعه «شانس» هستند.

شانس
مارک تواین
مترجم: علی مسعودی‌نیا
نشر زاوش
چاپ اول: ۱۳۹۲
۸۰۰۰تومان

پرفروش‌ها

از اعدام و خودکشی تا عاشقانه‌های کلاسیک

جواد ماه‌زاده

این هفته هم عاشقانه‌های کلاسیک فارسی پرفروش بوده و هم شعری بلند از یک شاعر داستان‌نویس. اثری تازه از مترجم «اندوه جنگ»، ترجمه‌ای از حسن افشار و داستانی جدید از ژوئل اگلوف دیگر کتاب‌هایی است که در این بخش مرور خواهیم کرد.

خودکشی دسته‌جمعی نهنگ‌ها

«خودکشی دسته‌جمعی نهنگ‌ها» شعر بلندی است که خواندنش خیلی زود تمام می‌شود. مجید تیموری، داستان‌نویس با نوشتن این شعرها خودش را به‌عنوان یک شاعر اهل فانتزی و خیال معرفی کرده و نشان داده که در بازی با واژه‌ها و خلق ترکیب‌ها و استعاره‌های نو، ذهنی خلاق و آماده سرودن دارد. این شعر به‌راستی بلند است و هرجا خواستم تکه‌ای را به‌عنوان گزیده بردارم و در اینجا بیاورم، با به‌هم‌پیوستگی شعر روبه‌رو شدم و بنابراین ناگزیرید به اولین کتابفروشی‌ای که رسیدید، آن را تورق کنید و احساسات و زبان شاعرانه این داستان‌نویس را شخصا مزمزه کنید. در این کتاب با شاعری (شاعر/ راوی درون کتاب) مواجهید که هم سر عصیان و شکوه برداشته و هم آنقدر غرق لطافت و انسانیت است که شکوه و گله‌گذاری‌هایش به شعر ختم شده است. این کتاب را که در هفته‌های اخیر جزو پرفروش‌های شهر کتاب بوده، نشر مروارید در ۹۶ صفحه منتشر کرده است.

اعدام سرباز اسلوویک

مسعود امیرخانی را با ترجمه کتاب «اندوه جنگ» می‌شناسیم. حالا به کارنامه کاری او این کتاب را هم اضافه کنید که بازهم به پدیده جنگ می‌پردازد. این کتاب را ویلیام بردفورد هیویی، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی نوشته که تا به حال بیش از ۲۰ عنوان اثر داستانی و غیرداستانی نوشته است. او در این اثر با آزادی محض، وظیفه روایتگری خود را به‌عنوان یک روزنامه‌نگار ادا کرده و به سراغ اتفاقی هولناک در زمان جنگ جهانی دوم رفته است. کتاب، داستان زندگی تنها سرباز آمریکایی را بازگو می‌کند که از زمان جنگ داخلی این کشور، به جرم فرار از خدمت و اجتناب از وظایف سربازی اعدام شد. ادی اسلوویک یکی از هزاران سرباز فراری‌ای بود که در جنگ جهانی دوم در دادگاه نظامی محاکمه شد. از این هزاران سرباز، ۴۹نفر به اعدام محکوم شدند؛ اما با خواندن این کتاب می‌فهمید که از میان آنها چرا تنها حکم اعدام اسلوویک صادر شد. داستان با حضور نویسنده بر سر مزار این سرباز شروع می‌شود و سپس به‌دنبال چون‌وچراهای اعزام و اعدام اسلوویک می‌رود. کتاب وقتی خواندنی‌تر می‌شود که به دست‌نوشته‌ها و نامه‌های این سرباز می‌رسید. شاید مهم‌تر از لذتی که از خواندن کتاب می‌توان برد، درس‌آموزی از نوع پرداختن به وقایع جنگ و ماجرایی باشد که گشودن آنها در بسیاری از کشورها تابو و ممنوعه محسوب می‌شود. کتاب در قطع رقعی کوچک و ۳۲۷ صفحه از سوی نشر پیدایش منتشر شده است.

چرا اینجا روی زمین نشسته‌ام

ژوئل اگلوف کشف تازه مترجمان فرانسه‌زبان ماست که امسال مورد پسند مخاطب ایرانی قرار گرفته و حالا کتاب دیگری از او راهی بازار شده است. داستان «سرگیجه» از این نویسنده اوایل امسال با استقبال خوبی مواجه شد و مترجمش را مجاب کرد تا به سراغ اثر دیگری از او با نام «چرا اینجا روی زمین نشسته‌ام» برود. اگلوف داستان را ساده و بی‌اطوار می‌نویسد و برای پرداختن به تراژدی زندگی انسان امروز، از زبان هجو و طنز استفاده می‌کند. البته این کتاب با همه محاسنی که از لحاظ نگارش و ترجمه و سبک واقع‌گرا و ساده‌ای که دارد، کمی چشم را می‌آزارد و کاش ناشرش در انتخاب شکل حروف (فونت) خوش‌سلیقه‌تر عمل می‌کرد. راوی این داستان- مثل سرگیجه- اول شخص است و فکر و خیالاتش یادآور داستان‌های سلینجر. داستان در مدت زمان کوتاهی اتفاق می‌افتد و وقایع آن در پی هم می‌آیند و یقه خواننده را یک لحظه رها نمی‌کنند. در دوره‌ای که کتاب‌های کم‌حجم به دلیل حوصله و وقت کم مخاطب و قیمت ارزان‌تر، مشتری بیشتری پیدا کرده، این داستان بلند نیز جزو پرفروش‌ها آمده است. ترجمه موگه رازانی از این کتاب در ۱۲۴ صفحه از سوی نشر کلاغ منتشر شده است.

عاشقانه‌ها

بخش قابل‌توجهی از ادبیات کهن ایران را اشعار عاشقانه تشکیل می‌دهد؛ اشعاری که اغلب به معشوق یا معشوقه‌های زمینی اشاره دارد و بسیاری از مفسران و کلاسیک‌بازان، تعابیر متنوع زمینی و فرازمینی از آنها به دست داده‌اند. زبان اشعار عاشقانه به‌خصوص در آثار مولوی، سعدی و حافظ، زبانی شگفت‌انگیز، پراحساس و سرشار از تلمیح و راز و خیال است؛ تا جایی که تمییزدادن عشق عرفانی از عشق زمینی اغلب ناممکن به نظر می‌آید. «عاشقانه‌ها»یی که نشر نظر چندسال است منتشر می‌کند و حالا به چاپ پنجم رسیده، دربرگیرنده گزیده اشعار عاشقانه کهن فارسی به‌صورت دوزبانه و مصور است. تصاویر کتاب متعلق به نسخه‌های قدیمی از شاهنامه و سایر کتاب‌هایی است که در اختیار گنجینه موزه بریتانیا قرار دارد و نشر نظر با قراردادی توانسته است از آنها در چاپ نفیس این کتاب ۸۸صفحه‌ای استفاده کند. با انتخاب خوبی که از میان اشعار و تصاویر انجام شده، فکر زیبایی‌شناسانه و حس شاعرانه‌ای که مدنظر گردآورندگان بوده، به خوبی به مخاطب منتقل می‌شود. وستا سرخوش کرتیس و شیلا آر. کنبی گردآورندگان اثر و فاطمه کاوندی مترجم آن است.

مینی‌مالیسم

نشر مرکز در ادامه انتشار مجموعه کتاب‌های جنبش‌های هنر مدرن، کتاب مینی‌مالیسم دیوید بچلر را با ترجمه حسن افشار منتشر کرده است که مورد توجه هنرجویان رشته‌های مختلف قرار گرفته است. این کتاب حکم مدخلی را دارد که معانی و ویژگی‌هایی را که حول این هنر شکل گرفته، با تکیه بر آثار پنج هنرمند شاخص- کارل آندره، دن فلیوین، دونالد جاد، سل لویت و رابرت موریس- توضیح دهد و نقدها و برداشت‌هایی را هم که به‌دنبال جنبش مینی‌مالیسم از راه رسیده، مرور و بررسی کند. چاپ جدید این کتاب گلاسه و مصور، همراه با واژه‌نامه انگلیسی و کتاب‌شناسی مفیدی که در انتها آورده، این‌روزها به‌عنوان یکی از پرفروش‌های هنری در شهر کتاب مرکزی معرفی شده است.